

ارتباط جامعه، منافع و چهارچوب آن با حقوق شهروندی

شهرام باسیتی* - استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
ام لیلا لشکری - دانشجوی دکتری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

شهرنشینی پدیده‌ای است که از سده پیش مخصوصاً از دهه‌های پیش نقش تعیین کننده‌ای در سطح جامعه دارد. شهرنشینی با مناسبات و نظام خاصی ارتباط مستقیم دارد. برخی از این مناسبات، زائیده پدیده شهرنشینی و مهاجرت مردم به سوی شهرها و یا کلانشهرها هست. ساکنان شهر که شهروند خوانده می‌شوند واجد و یا طالب نوعی حقوق هستند که زندگی شهری را برای تسهیل کند. طبقه حاکمیت، (شهرداری) ضامن اجرا و تأمین این حقوق هستند. شهروندان نیز در قبال دولت و شهرداری‌ها مسئول هستند و برای تثبیت نظام شهرنشینی باید در تمام مناسبات اجتماعی مشارکت کنند و نوع مشارکت خود را بدانند. علاوه بر این، مردم از حقوق شهروندی خود باید اطلاع داشته باشند. تعهدات، حقوق شهروندی عواملی را که باعث تحقق حقوق شهروندی و اجرای عدالت در میان شهروندان می‌شود، بازشناسند. در این مقاله که به شکل پاسخنامه و روش پیمایش مصاحبه سامان یافته مبتنی بر پرسشنامه، از روش پیمایشی استفاده شده، سعی بر این بوده است که به برخی سؤالات درباره ارتباط جامعه، منافع و چهارچوب آن با حقوق شهروندی پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: جامعه، شهرنشینی، شهروند، حقوق شهروندی، مشارکت.

The association of society, its benefits and its framework with citizenship rights

Abstract

Urbanization is a phenomenon that has had a decisive role in society since the beginning of the decade. Urbanization has a direct relationship with a particular system and system. Some of these relationships are the birth of the phenomenon of urbanization and the migration of people to cities or metropolises. Residents of the city who are citizens are eligible to or have a form of salary to facilitate city life. The sovereignty class, (municipality) is the guarantor of the implementation and enforcement of these rights. Citizens are also responsible for the government and the municipalities, and in order to consolidate the urban system, they must participate in all social relationships and understand the type of their participation. In addition, people should be aware of their citizenship rights. Commitments, citizenship rights recognize the factors that lead to the realization of citizenship rights and the implementation of justice among citizens. In this paper, the survey method used in the form of a questionnaire based on a questionnaire and a survey method, has tried to answer some questions about the relationship of society, its benefits and its framework with citizenship rights.

Key words: community, urbanization, citizen, citizen rights, partnership.

مقدمه

زندگی شهرنشینی به صورت غالب‌ترین نوع زندگی انسان در دنیای جدید است. یعنی مدرنیسم و دنیای مدرن امروزی شاهد شکل‌گیری شهرنشینی است. پدیده شهرنشینی، معلول علت‌ها و پیامد بسیاری از روش‌های جایگزین زندگی است. کاوش درباره مفهوم پدیده شهرنشینی، حدود و ثغور آن و قوانین خاص موجود در آن، نیازمند زمان و پژوهش‌های کارآمدی است که مجال بحث درباره آن در این مقال نمی‌گنجد. «جامعه»، «اخلاق» و «حقوق شهروندی»، سه ضلع زاویه شهر و زندگی شهری محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، تمام قوانینی که در شهر نهادینه می‌شود، بازوی قدرت برای اجرای همین قوانین نهادینه شده و مبانی و معیارهایی که برای اجرای این قوانین در نظر گرفته می‌شود حول محور شهرنشینی می‌گردد و مبانی اصلی زندگی شهری را شامل می‌شود. وجود انسان و ارزش شخصیت او به عنوان مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود، یعنی بشر به لحاظ «وجودی»، شایسته برخورداری از برخی حقوق است. حقوق بنیادین و هنجارهای بشری که مشترکات انسانی محسوب می‌شود همیشه بر حوزه موضوعی حقوق بشر تأکید دارد. چون انسان و زندگی جمعی این گونه ایجاد می‌کند که او دارای حق و حقوقی باشد تا با اتکاء به این حقوق بتواند با طبیعت و با جامعه خود تعامل بهینه داشته باشد. پیدایش و تکوین این حقوق با پدیده هویت ارتباط تنگاتنگ دارد. ارزش‌های جهانی بایسته‌ای که رعایت و احترام به این حقوق را الزامی فرض می‌کنند، به آنها ویژگی مطلق می‌دهد و به تعبیری رعایت آنها حیات انسانی را عقلایی‌تر می‌کند و امنیت و رفاه و شکوفایی بیشتری را نصیب بشر خواهد کرد. ماکس اشتیئر، درباره فرد و ویژگی او می‌گوید: «از هنگامی که آدمی چشمان خویش را بر روشنایی می‌گشاید به جست و جوی آن بر می‌آید تا در دل بر هوتی که او به گونه آمیخته با باقی جهان در آن ره می‌سپرد، خود را رها سازد، و اختیار دار خویش باشد» (جهانبگلو- نبوی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹)

ویژگی فرد، «آزادی‌های فردی» را لازمه خود دارد، یعنی آزادی فردی هم با فرد ارتباط دارد و هم با حقوق شهروندی. آزادی‌های فرد را می‌توان در سه عنصر اصلی ذیل جمع بندی کرد:

۱. «آزادی‌های تن». این آزادی‌ها، که آنها را آزادی‌های مطلق و یا آزادی‌های شخصی نیز می‌نامند، به اعتبارتن انسان برای او به موجب قانون شناخته شده است و عبارتند از حق زندگی، امنیت شخصی، آزادی رفت و آمد، آزادی و مصوونیت مسکن، مصوونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات و اسرار شخص، و حق دفاع و اجرای عدالت را نیز مولفان، جز این گروه به شمار آورده‌اند.
 ۲. «آزادی‌های فکر». این آزادی‌ها به اعتبار فکر آدمی است مانند آزادی عقیده و بیان، آزادی وجدان و ایمان، آزادی اطلاعات، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی آموزش و پرورش، و آزادی سیاسی.
 ۳. «آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی». این دسته از آزادی‌ها به اعتبار بستگی‌های اجتماعی و مادی که بشر در اجتماع دارا است، می‌باشد مانند حق گرفتن کار، حق انتخاب کار و شغل، حق تامین اجتماعی، حق مالکیت شخصی، آزادی کسب و کار و صنعت و بازرگانی و غیره (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ص ۳۲).
- بحث «شهروند» از دیگر مفاهیم بازبسته به آزادی فردی و حقوق شهروندی است. شاخص شهروندی، در نظام حاکمیت جهان وجود داشت. ارسطو، این مفهوم در دولت شهرهای یونان به ویژه در آتن چنین می‌دانست:
- «مردی که در مدیریت عدالت و در حفظ نظام سهیم است» در برداشت ارسطو دولت به شهروندان واگذار می‌شود که بدین ترتیب حاکمان آن هستند؛ اما مارتین البرو می‌گوید این نظر ارسطو درباره حقوق شهروندی غیر واقع بنیانه به نظر می‌رسد به این مناسبت که «پولیس» ابعاد کوچکی دارد و تنها برخی افراد می‌توانند شهروند باشد. در ضمن دولت شهر (پولیس) دارای دموکراسی محدودی است که شهروندی امروز را با آن دموکراسی نمی‌توان سنجید، زیرا مشارکتی که ارسطو در نظام سیاسی دولت شهر در نظر دارد به گروه ممتازی از مردان منحصر می‌باشد که دارنده حقوق شهروندی هم فقط آنها هستند (آلبرو، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲)؛ شهروندی در این دولت شهرها طبقاتی و جنسیتی است زیرا در مشارکت سیاسی تنها مردان آزاد شرکت کرده، سرنوشت سیاسی دولت شهر را تعیین می‌کنند، بردگان و زنان از این حق، و از حقوق شهروندی برخوردار نیستند.
- انقلابیون فرانسه در تحول مفهوم شهروندی خود را

مدیون آرای فلسفی ژان ژاک رسو می‌دانستند. «رسو» مفهوم شهروندی را به شیوه ایدئالیستی در نظر گرفته و شهروندی را، ترجیح و صلاح عمومی بر منافع خصوصی تعریف می‌کرد. بنابراین از نظر او شهروند واقعی کسی است که بتواند مصلحت عمومی را اراده کند یعنی دارای «اراده عمومی» و «فضیلت مدنی» باشد (بشریه، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰).

گفتیم که تمامی این حقوق اولیه انسان در قالب «حقوق بشر» جمع شده است. هنگامی که از حقوق بشر سخن بگوییم، باید به این نکته اساسی تأکید کنیم که خصیصه اصلی حقوق اولیه انسان، که هیچ گونه قید و شرط بر خود نمی‌تابد، یعنی هر نوع تبعیض، یک جانبه نگری و ملاحظات سیاسی - تاریخی - جغرافیایی - فرهنگی را بر نمی‌تابد. تمامی افراد جامعه انسانی در قلمرو یک سرزمین زندگی می‌کنند و در دایره حقوق شهروندی و بشری قرار می‌گیرند. از همین رهگذر است که با در نظر گرفتن اختلاف‌های موجود در طبقه، نژاد، قومیت، جنس، مذهب، ... و با ملاحظه نیازهای بخصوصی که برخی مناطق جغرافیایی برای ساکنان آن ایجاد می‌کند، انسان به دنبال ایجاد دهکده جهانی و رفع هر نوع تبعیض، ظلم و فاصله‌هایی است که میان حقوق انسان‌ها شکاف ایجاد می‌کند. مقصود از طرح این مباحث، کلی نگری و تحلیل بافتار کلی جهانی در خصوص شهرنشینی، جامعه و حقوق شهروندی نیست. اگر به جامعه خود و نظام شهرنشینی مراجعه کنیم، مشاهده می‌شود که برخی آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی فراتر از استانداردهای جهانی هست. پس نیازمند بازبینی و اصلاح حقوق شهروندی در جامعه مدرن امروزی ایران هستیم. وجود چنین مشکلاتی در کوتاه‌مدت هم اسباب ناراحتی و ایجاد تنش در آسایش شهروندی است و هم در درازمدت بر روند توسعه عمومی کشور، سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مانند آنها تأثیر منفی می‌گذارد.

اهمیت اخلاق و حقوق شهروندی، رابطه نزدیکی با حاکمیت دارد. «اگر جامعه‌ای حقوق شهروندان را نهادینه نکند، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل می‌شود.» (مداحی، ۱۳۸۹، ص ۲).

دولت و اقتدار مطلق آن، موسوم به حاکمیت، در ابعاد داخلی (نسبت به افراد و گروه‌ها) و خارجی (در ارتباط با

نهادهای بین‌المللی) موظف به ایجاد نوعی حقوق و تأمین برقراری آن هستند. هیچ گروهی از مردم و هیچ فردی نمی‌تواند اعمال حاکمیت را حق خود بداند؛ اما در مقابل، دولت و حاکمیت با داشتن چنین حقی، ملزم به ایجاد حقوق اساسی و مساوی برای تمام شهروندان خود می‌شود. تمام این مباحثی که به شکل کاملاً خلاصه در این قسمت عنوان کردیم، ذیل «حقوق بشر» جمع‌بندی می‌شود. البته حقوق بشر، حاصل تحول‌های اساسی و بنیادین در شکل و شیوه حکومت، ارتباط مردم با حق حاکمیت، فرمانبرداری مردم و حق حاکمیت دولت ایجاد شده است. حاکمیت مردم و نمایندگی دولت از طرف مردم، واقعیتهای تقسیم‌ناپذیر، سلب ناشدنی و غیر قابل مرور زمان و متعلق به ملت است. از این رهگذر، امروزه دولتی با اختیارات محدود در چارچوب نظم حقوقی موسوم به دولت قانونمند و با کارکردهای تخصصی و محدود موسوم به «دولت حداقل»، مطلوب تلقی می‌شود. دولت قانونمند را دولتی می‌شمارند که قدرت آن بر پایه معیارهای کلی تنظیم شده و شهروندان نیز از این حق مسلم برخوردار باشند که حسب لزوم به نهادهای نظارتی متوسل شوند. اساسی‌ترین حقوق تضمین شده آحاد ملت، بستری است که شهروند می‌تواند آنها را بخواهد و قدرت حاکم نیز باید به آنها احترام بگذارد. لذا به جای بهره‌گیری از مفاهیم «حاکمیت» (sovereignty) و حکومت (government)، از اداره امور و حکمرانی (governance)، سخن گفته می‌شود. در زندگی شهرنشینی امروزی، شهروندان عموماً با سلیقه‌ها و انگیزه‌های گوناگون در جامعه شهری فعالیت دارند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پرکردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و مانند اینها شهروند محسوب می‌شوند. به این جهت، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی و اخلاقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است. این روابط می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چون در صورت نبود وجود نظم و ضابطه در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم می‌شود و امور به سمت هرج و مرج و نابسامانی خواهد رفت. بدین ترتیب دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات لازم، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط پیش گرفته‌اند. رویه دیگر این مسئله، آگاهی مردم از حقوق و تعهدات شهروندی

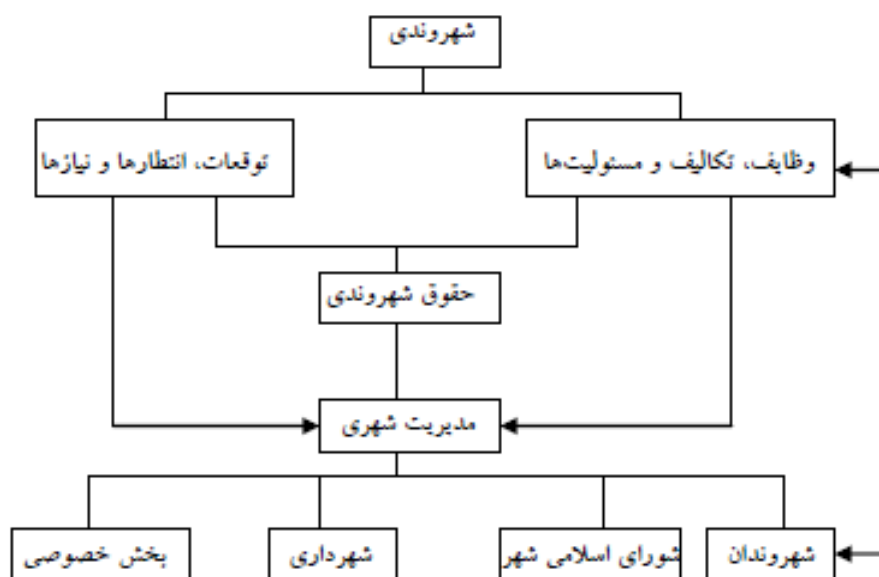
خویش است. اینکه چه عواملی بر میزان و نوع فعالیت‌های شهروندان جهت برآورده شدن حقوق اولیه شان، تعهدات و اخلاق شهروندی مؤثر است و بین این دو چه ارتباطی وجود دارد؟

دهه‌های اخیر ایران شاهد تمرکز شدید جمعیت در شهرها، ترک روستاها و سرعت گرفتن مهاجرت‌های روستایی به شهرها بوده است. برای مهار این وضعیت، برنامه‌ریزی‌های آزمایشی شهری از سه دهه پیش تا اندازه‌ای تواسته است از انفجار گسترده شهرها جلوگیری کند و با به وجود آوردن چند کلانشهر به جای کلانشهر تهران، به توزیع جمعیت در سطح کشور کمک کند؛ اما همین برنامه ریزی نتوانسته است تأثیر چندانی در گسترش اخلاق و فرهنگ شهروندی داشته باشد. برخی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی در شهرهای ایران مانند مشکلات ترافیکی، برخی انحرافات جنسی و مانند آنها تا حدودی بالاتر از استانداردهای جهانی است. این مشکلات در سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیر منفی می‌گذارد، چرخه‌های بیمارزایی به وجود می‌آورد و باعث گسترش ناآرامی، تنش‌های اجتماعی، بروز انحرافات پایدار و مشکلات پیچیده‌تر می‌شود که مقابله با آنها بسیار توانفرسا و سخت خواهد بود (فکوهی، ۱۳۸۸، صص ۶-۷).

در جمع‌بندی مطالب بالا این گونه برمی‌آید که شهروند، فردی است که در برابر حاکمیت، هم حق دارد و هم تکلیف. وظایفی را در قبال حکومت انجام می‌دهد و متقابلاً حاکمیت نیز وظایفی در برابر او بر عهده دارند. مدیریت شهری به گونه‌ای اسیت که شهروندان را به سوی کنش‌های مشارکتی سوق می‌دهد و از آنان انتظار دارد که در تمام امور شهر و بسامان کردن آن سهیم باشند. (رک، خادم الحسینی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰) (نمودار ۱).

ارتباط تنگاتنگ و درهم تنیده‌ای که شهروند، شهرداری (یا حاکمیت، مدیریت شهری و حقوق شهروندی دارد، نیازمند آموزش‌های کاملاً آگاهانه هست. مردم حتماً باید به حقوق شهروندی خود آگاه شوند و انتظاراتی که از حاکمیت، شهرداری و مدیریت شهر دارند، بجا و مناسب باشد. وجود این آموزش‌ها در تمامی مجامع بین‌المللی پذیرفته شده است. NCSS چهار عنصر را لازمه شهروند مطلوب می‌داند: دانش، تفکر، تعهد، عمل (قایدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳). آموزش در سطح جامعه شهری، شهروندان را به ابراز دانش و درک مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته، آنان را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه شهری به عهده بگیرند (آقازاده، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

تی اچ. مارشال با وام‌گیری اندیشه‌های ماکس وبر



نمودار ۱. ارتباط مدیریت شهری، شهروندان و حقوق شهری؛ ماخذ: صرافی - عبداللهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰.

و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد بیکار می‌شود. حقوق اجتماعی ناظر بر حقوقی است که به موجب آنها موقعیت‌هایی فراهم می‌گردد که جامعه به عنوان یک کل قادر به ادامه بقا و انجام کارکردهای خود باشد. این نوع حقوق همچنین شامل فراهم آوردن موقعیت مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است. بر این اساس، این امید به وجود می‌آید که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. مارشال عنصر اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «مراد من از عنصر اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن معیارهای حاکم به یک جامعه را دربرمی‌گیرد.» (نش، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳).

شهروند مدرن در قبال حقوق شهروندی، می‌بایست تعهداتی را نیز قبول کند. زیرا شهروندی، مفهومی گسترده‌تر از شهرنشینی دارد و شهروندان منفعل، فاقد شخصیت مدنی شناخته می‌شوند. ازجمله تعهدات و تکالیف شهروندی می‌توان به قانون‌مداری (عمل و احترام به قانون، مشارکت مردم در ترغیب یکدیگر به قانون)، مشارکت مدنی (مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی)، مشارکت اجتماعی، حفظ سلامت اخلاقی جامعه، احترام به بنیان خانواده، احترام به حقوق یکدیگر، احترام به تنوع فرهنگی و وجود قومیت‌های گوناگون، طایفه‌های جمعیتی و زبانی خاص و ... اشاره کرد. اندیشمندان متعدد درخصوص همین مشارکت شهروندان تعاریف زیادی ارائه داده‌اند. به برخی از آنها اشاره می‌کنیم (اوکلی و همکاران، ۱۳۷۰) (جدول ۱).

مشارکت فعال و مشارکت غیرفعال (منفعلا نه) شهروندان
باتوجه به جامعه آماری موجود و باتوجه به تعاریفی که در سطح گسترده‌ای از مشارکت شهروندی و حقوقی که بر عهده دولت و جامعه حاکمیت است و درمقابل، تعهداتی که جامعه شهروندی در این خصوص بر عهده دارد، می‌توان گفت که مشارکت دارای دو بُعد فعال (*activer*) و غیر فعال (*passive*) است. روند بلوغ فرهنگ شهرنشینی در این مدل شکل می‌گیرد. در جامعه هنگامی که مردم مشارکت جو و

و تالکوت پارسونز، نظریه‌ای درباره حقوق شهروندی در جوامع دموکراتیک دارد. وی این حقوق را در سه وجه: حقوق قانونی یا حقوق مدنی؛ حق مشارکت و شهروند سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان (رک، شیخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵) طرح کرده است.

۱. حقوق قانونی یا حقوق مدنی. نخستین حقی است که در جامعه به وجود می‌آید. عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادهای آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. از نظر مارشال جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد. حقوق قانونی به آزادی و استقلال فرد اصالت می‌دهد و به رابطه هر فرد با سایر افراد جامعه برمی‌گردد. آزادی، حقوقی را در بطن خود دارد مانند آزادی عملکرد فردی (آزادی انتخاب مسکن، آزادی مکاتبات، آزادی رفت و آمد و ...؛ آزادی اندیشه (آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات)، آزادی گردهمایی (آزادی بازرگانی و صنعت، آزادی کار و آزادی سندیکایی) و آزادی دیگر.

۲. حق مشارکت و شهروند سیاسی. دومین حق شهروندی، حق مشارکت است که بر مبنای برخورداری از حق رای، حق شرکت در انتخابات و مشارکت مردم در امور سیاسی است. به عبارت دیگر، این حق، امکان مشارکت مردم را در تصمیم‌های عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب دولت و یا سایر حلقه‌های قدرت داشته باشند (رک، گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۶۲)؛ به عقیده مارشال این حقوق که قبلاً تعداد محدودی از آن برخوردار بودند، فقط در قرن ۲۰ با گسترش حق رای عمومی برای همه افراد بالغ به حقوق شهروندی تبدیل شد و این امر را ایجاد کرد که براساس آن حقوق نه مبتنی بر ابزار اقتصادی؛ بلکه مبتنی بر وضعیت شخص بودند. ۳. حقوق اجتماعی. عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنان فراهم می‌آورد. به طور معمول، حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی

جدول ۱. مفهوم مشارکت از دیدگاه اندیشمندان؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

مفهوم	تعریف	اندیشمندان
فرایند	مشارکت شامل هر فرآیندی است که از طریق آن افراد سهمی در رسیدن به تصمیم‌های مدیریتی توسعه دارند.	کلارک و رابرتز (۱۹۷۳)
نفوذ و کنترل	مشارکت سیاسی از مدیریت است که در قالب آن افراد بر تصمیم‌های توسعه‌ای اثر می‌گذارند.	پیترسون (۱۹۸۹)
شکل اعمال قدرت	مشارکت کلیه اشکال اعمال قدرت به وسیله زیردستان است که از نظر آنها مشروع جلوه کند.	رامرز (۱۹۶۹)
تصمیم‌گیری	مشارکت تصمیم‌گیری مشترک است و باید از تصمیم‌گیری دستوری و با تفویض اختیار به غیر تمیز داده شود.	لاک، شویچی و لاتام (۱۹۸۸)
ادراک نفوذ	مشارکت عبارت است از ادراک هر فرد از میزان نفوذی که بر تصمیم‌گیری دارد و مقایسه آن با میزان نفوذ واقعی وی در تصمیم‌گیری.	اوام ولتوتانز (۱۹۷۷-۱۹۵۹)

دولت مشارکت پذیر باشد، موقعیت انفعالی به وجود می‌آید. مشارکت جویی و وارد کردن مردم به عرصه، نقش فعال دولت و مشارکت پذیری، نقش انفعالی دولت و حاکمیت است. منظور از شهروند فعال، کسی است که مشارکت را حق خود و خودش را دارای اختیار می‌داند. شهروند منفعل باید ملزم به انجام تکالیف و وظایف خود باشد. در بحث از مشارکت غیر فعال، هنجارسازی برای رعایت قانون کارگشاست.

قانون پذیری و مسئولیت پذیری از وظایف اصلی مشارکت فعال است. قانون پذیری عبارت است از ارزیابی مزیت رعایت قانون و حقوق دیگران. چیزی که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می‌شود به نفع مردم است. قانون گریزی نقطه مقابل قانون پذیری و عبارت است از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارهایی که دارای ضمانت اجرایی هستند. شیوع رفتارهایی مانند پرداخت نکردن مالیات، اشتغال بدون مجوز، بی توجهی به علایم راهنمایی و رانندگی و مانند اینها میزان قانون گریزی را تعیین می‌کنند (ماهروی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

قانون‌مندی و پذیرش قانون، ریشه در ساختار جامعه دارد و می‌توان آن را در فرهنگ عمومی بررسی کرد. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن در گرو داشتن آماذگی جسمانی، آگاهی و احساسی است. زیرا در صورت رعایت نکردن قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است می‌تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار دشواری‌های متعدد سازد و ساخت‌های نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی را موجب گردند.

این گونه رفتارها در نهایت منجر به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و درهم‌گسیختگی نظام اجتماعی گردد. نیز مهارت‌هایی که در جامعه مدنی ضروری است، شکل نگیرد و در نهایت موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد. نمونه‌هایی از آن عبارتند از: تشکیل گروه‌های زیرزمینی؛ توجه نکردن به بهداشت اماکن، ایجاد آلودگی‌های صوتی و دیداری، عدم حفظ اماکن عمومی، آسیب رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی و پرداختن به مشاغل غیر قانونی. (همان: ۱۳)؛ از این رو در تبیین قانون گریزی براساس فقر، نمی‌توان صرفاً به بُعد اقتصادی آن توجه کرد. زیرا فقر شهروندی، نیز فقر فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع آسیب‌های اجتماعی اهمیت اساسی دارند. البته فقر اقتصادی بر سایر ابعاد فقر اثرگذار است. در این زمینه دورکیم معتقد است وقتی نوسانات شدید اقتصادی، همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون گریزی در جامعه اوج می‌گیرد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، صص ۳-۴).

مدیریت مشارکتی و پایدار در راستای عمل به تعهدات حقوق شهروندی، نیازمند برنامه‌ای مدون از طرف دولت و حاکمیت و از طرف نیاز رفتارهای درست اجتماعی شهروندان است. برای تحقق این نوع مدیریت و رعایت موازین حقوق بشر، بایستی چارچوبی استراتژیک برای ظرفیت سازی مدیریت شهری طراحی گردد. این چارچوب

استراتژیک در چهار مؤلفه کلیدی شکل می‌گیرد که هریک به مسایل بنیادی که به وسیله مقامات شهری درباره فرایندهای مشارکت مطرح می‌کنند، پاسخ می‌دهد. تحلیل اینکه مشارکت چیست؟ چگونه مشارکت کنیم؟ چگونه از مشارکت حمایت کنیم و چه کسی آن را هدایت کند؟ هدف از طراحی چارچوب برای شهرداری‌ها و نشان دادن موضوع «مشارکت» استراتژیک، رفع مشکل عمده عوامل و بازیگرانی است که در فرایندهای مشارکت دخیل هستند و فرایندهای مزبور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مؤلفه نخستین چارچوب استراتژیک ظرفیت سازی حکومت شهری، توسعه ماهیت و عناصر مشترک است. این مؤلفه، موضوعات کلیدی را طرح کرده، میزان وسیعی از عوامل اثرگذار را بر مشارکت ترسیم می‌کند و قابلیت‌های مختلف برای مشارکت اجتماعات محلی را طرح می‌کند. بسیاری از شهرداری‌ها نیاز دارند تا دانش و مهارت‌های گسترده مربوط به جنبه‌های بنیادین مشارکت در فهم ماهیت شرکای محله‌ای شهری را توسعه داده و مشارکت معنادار و مناسب را ترویج کنند. این چارچوب استراتژیک برای ظرفیت سازی شامل موارد زیر است:

۱. شناخت اهداف مشارکت؛
۲. شناخت نیازهای فقرا؛
۳. کاهش عواملی که مشارکت را تضعیف می‌کنند؛
۴. ارتقای قابلیت‌های مشارکت؛
۵. ایجاد آشکال نوظهور مشارکت (plummer, 2007, pp. 7-8).

شهروند و میزان اطلاع از حقوق شهروندی

یکی از سؤالات اساسی پژوهش این است که مردم از حقوق شهروندی خود چقدر اطلاع دارند؟ تعهدات و حقوق شهروندی یعنی چه و چه عواملی باعث تحقق حقوق

جدول ۱. ضریب روایی مقیاس‌ها

متغیرها	پرسشنامه مقدماتی	پرسشنامه نهایی
حقوق مدنی شهروندان	۶۵٪	۷۱٪
حقوق سیاسی شهروندان	۸۳٪	۶۹٪
حقوق اجتماعی شهروندان	۴۳٪	۸۳٪
حقوق شهروندی	۹۱٪	۸۷٪
تعهد و اخلاق شهروندی	۴۱٪	۷۳٪

شهروندی و اجرای عدالت در میان شهروندان می‌شود. روش پژوهش، به صورت مصاحبه سامان یافته مبتنی بر پرسشنامه، از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری افراد باسواد بالای ۲۰ سال، در مناطق ۱۴ تا ۲۲ تهران بود که از میان آنان ۴۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای روایی و اعتبار (Reliability & Validity) متغیرهای پژوهش از اعتبار صوری و آلفای کرونباخ (Conbach Alpha method) بهره برده و برای بررسی اعتبار صوری از مشاوره و راهنمایی صاحب نظران این حوزه کمک گرفته ایم. در آزمون مقدماتی (Pre Test) طیف‌ها از طریق ۳۰ پرسشنامه آزمون روایی شدند. از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب روایی کل طیف را مشخص می‌کند و گویه‌های نامناسب را که سبب کاهش روایی طیف می‌شدند، حذف و گویه‌های دارای روایی قابل قبول مورد استفاده واقع شدند (جدول ۲).

۵۳/۶٪ نمونه پژوهش را مردان و ۴۶/۴٪ را زنان تشکیل می‌دهد. افراد در پنج گروه سنی ۲۰ تا ۲۲ سال، ۲۳ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۱ تا ۵۵ سال و بالاتر از ۵۵ سال بررسی شدند و میانگین سنی ۳۵ سال است. ۶۰/۷٪ پاسخگویان، متأهل و ۳۹/۲٪ مجرد و بیشتر پاسخگویان خانه‌دار (۳۷/۸٪) و دارای شغل آزاد (۴۱/۶٪) بودند. ۸/۵٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۷/۸٪ تحصیلات راهنمایی، ۹/۵٪ دبیرستان، ۲۷/۶٪، ۱۸/۹٪ دیپلم و پیش دانشگاهی، ۱۷/۵٪ فوق دیپلم و ۴۱/۲٪ دارای تحصیلات عالی (لیسانس به بالا) بودند. بیش از ۶۱٪ پاسخگویان، دارای اصالت خانواده تهرانی هستند و در تهران به دنیا آمده‌اند.

مهم ترین انتظار افراد از دولت به ترتیب اولویت و بیشترین فراوانی عبارت از: - ایجاد عدالت در خدمات اجتماعی، رفاهی، بهداشتی و

درمانی (۳۳٪)

- ایجاد اشتغال و رفع بیکاری. (۲۱٪)

- آزادی بیان (۱۱٪)

- برابری در برابر قانون (۹٪)

- حفظ استقلال کشور (۷٪)

- رفع گرانی و تورم (۶٪)

- ایجاد توسعه و پیشرفت برای کشور (۴٪)

درخصوص تعهدات شهروندانی، بیشترین میزان موافقت با عبارت «همیشه حقوق دیگران را رعایت می‌کنم» با میانگین ۴۳/۶٪ و کمترین میزان موافقت مربوط به عبارت «هنگام خرید کالا تأکید بر خرید کالای ایرانی دارم» با میانگین ۲/۳٪ بود.

شهروندان در جامعه

نتایج نشان داد میانگین نظر افراد درخصوص میزان رعایت حقوق شهروندان در جامعه با توجه به انتظار گروه‌های مختلف از دولت متفاوت است (جدول ۲).

مقدار سطح معناداری نشان از آن دارد که بین دو متغیر انتظار افراد از دولت با میزان رعایت حقوق شهروندان در جامعه در سطح اطمینان ۹۶٪ رابطه معناداری هست. به گونه‌ای که هر قدر انتظار پاسخگویان از حکومت افزایش یابد به همان میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه بیشتر می‌شود و در نتیجه بین دو متغیر رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

۳- ارتباط میان وظایف شهروندان در قبال دولت با رعایت تعهدات

و اخلاق شهروندان

تحلیل پاسخ مصاحبه‌شوندگان در این سطح نشان می‌دهد میزان تعهدات شهروندان در جامعه با توجه به وظایف گروه‌های مختلف در قبال دولت تفاوتی ندارد (جدول ۳).

مقدار سطح معناداری نشان می‌دهد بین دو متغیر وظایف شهروندان در قبال دولت با میزان رعایت تعهدات و اخلاق در جامعه در سطح اطمینان ۸۹٪ رابطه معناداری وجود ندارد.

۴- رابطه میان تحصیلات و میزان رعایت حقوق شهروندی

در بررسی این رابطه مشاهده شد که نظر افراد در گروه‌های مختلف تحصیلی متفاوت بوده است. بیشتر افراد دارای تحصیلات عالی نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی در این مورد نظر منفی داشتند. به گونه‌ای که ۷۱٪ افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری درخصوص میزان رعایت حقوق

۱- رابطه حقوق شهروندی با تعهدات و اخلاق

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان سه بُعد حقوق قانونی و مدنی شهروندان (۴۷٪)، حقوق سیاسی شهروندان (۵۳٪)، حقوق اجتماعی شهروندان (۴۱٪) با تعهداتی شهروندان در قبال دولت در سطح اطمینان (۹۱٪) رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد و در مجموع شاخص حقوق شهروندان (۴۹٪) نیز با تعهدات شهروندان در قبال دولت در سطح اطمینان (۹۴٪) رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر قدر میزان حقوق شهروندان افزایش یابد، تعهدات شهروندان در قبال دولت بیشتر نمایان می‌شود و تأثیر افزایشی و مثبتی خواهد داشت. در مقایسه بین سه بُعد حقوق شهروندی، بُعد قانونی حقوق شهروندی، بیشترین شدت رابطه را با تعهدات شهروندی دارد.

۲- رابطه میان انتظار شهروندان از دولت با میزان رعایت حقوق

جدول ۲. بررسی مقایسه‌ای انتظار شهروندان از دولت با میزان رعایت حقوق شهروندان در جامعه؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	جمع مجذورات	
/۰۰۰	۱۳/۹۹۰	۳/۹۰۶	۲۰	۴۳/۱۷۳	بین گروهی
		۱۹۹٪	۲۶۲	۱۹۱/۸۱۶	درون گروهی
			۸۹۲	۳۲۴/۸۰۹	کل

جدول ۳. ارتباط میان وظایف شهروندان در قبال دولت با رعایت تعهدات و اخلاق شهروندان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	جمع مجزورات	درجه آزادی	مجزور میانگین	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴/۱۷	۹	۵/۱۰۶	۱/۲۶۱	.۱۹۷
درون گروهی	۲۶۳/۱۱۶	۵۴۳	%۳۹۱		
کل	۳۶۱/۵۳۹	۷۲۱			

شهروندان در جامعه تاحدودی مخالف بودند (جدول ۴).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

آگاهی از حقوق شهروندی در عصر حاضر به عنوان نیاز اساسی برای تمام ملل جهان درآمده است. موضوع شهروندی و حقوق و تعهدات مربوط به آن از مباحث مطرح جامعه شناسی و حقوقی است. تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع امروز سبب شده است که ضرورت توجه و پرداختن به این مسایل از دیگر مباحث، پیشی بگیرد. به گونه‌ای که بحث پیرامون اینها تحولات مهمی نسبت به سده‌های پیشین داشته است. گرایش دولت‌های دموکراتیک و ملت‌ها به طرف شناخت مردم از حقوق اجتماعی و شهروندی خود بدون برنامه ریزی و خود به خود رشد نکرده؛ بلکه نوعی احساس نیاز، جوامع نوین را به درک این آگاهی سوق داده است. تشویق به مشارکت در جامعه مدنی؛ بهره‌گیری از تنوع وسیعی از مشارکت بین بخش‌های دولتی و غیر دولتی برای دستیابی به اهداف پیش بینی شده؛ ظرفیت سازی در میان تمامی بازیگران شهری جهت مشارکت در تصمیم گیری و فرایندهای توسعه شهری؛ تسهیل ارتباطات در میان

تمامی سطوح از عوامل و عناصر مهم آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی خود هست. نتایج پژوهش حاضر از آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین شاخص حقوق شهروندان با تعهدات شهروندان در قبال دولت در سطح اطمینان ۹۴٪ رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. هر قدر انتظار پاسخگویان از دولت افزایش می‌یابد میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه بیشتر می‌شود. تحلیل آماری نشان از آن دارد که بین دومتغیر وظایف شهروندی در قبال دولت و میزان رعایت تعهدات و اخلاق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. پس اخلاق و تعهد شهروندی فرآیندی است که باید آن را مانند هدفی اساسی در نظر گرفت و به صورت تدریجی ایجاد کرد. همین فعل و انفعالات و رابطه میان متغیرها به میزان مشارکت مردم بستگی دارد. مشارکت دارای دو بُعد فعال و غیر فعال است. از طرف دیگر، آگاهی در نظام تبدیل شدن ساکنان شهر به شهروندان فعال و مشارکت جو نقش اسای دارد. تلاش بر این است که شهرداری با به کارگیری برخی آموزش‌های مردمی، زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را فراهم کند.

جدول ۴. بررسی رابطه تحصیلات افراد با میزان رعایت حقوق شهروندان جامعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پاسخ ها	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	کل
کاملاً مخالفم	۳/۰	۴/۲	۷/۱۲	۷	۱۹/۷	۲۷/۹	۰/۰	۱۷/۲
تاحدودی مخالفم	۳۷/۲	۱۸/۹	۳۰/۱۲	۴۲/۴	۳۷/۷	۲۲/۷	۷۱/۲	۴۷/۹
تاحدودی موافقم	۵۷/۶	۳۸/۳	۳۰/۱۲	۵۱/۹	۳۱/۶	۴۲/۵	۴۱/۶	۴۱/۴
کاملاً موافقم	۱۷/۹	۱۰/۲	۹/۳	۵/۹	۳/۷	۱۲/۲	۰/۰	۷/۴

منابع و مآخذ

۱. آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). «اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۴۵-۶۵.
۲. آلبرو، مارتین. (۱۳۸۰). عصر جهانی (جامعه شناسی پدیده جهانی شدن)، ترجمه دکتر نادر سالار زاده، تهران، آزاد اندیشان.
۳. اوکلی، پیترو - دیوید مارسدن. (۱۳۷۰). رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودنژاد، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
۴. بشیری، حسین. (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر.
۵. خادم الحسینی، احمد؛ راضیه قدرجانی؛ امیر زاهدی یگانه. (۱۳۹۱). «اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری اصفهان)»، نشریه علمی - پژوهشی آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۶۹-۱۵۳.
۶. شیخانی، ملیحه. (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری جامعه شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. صراف، مظفر - مجید عبداللهی. (۱۳۸۷). «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی آن در قوانین و مقررات»، نشریه علمی - پژوهشی پژوهش های جغرافیایی، دوره ۴۰، شماره ۶۳، بهار، ۱۱۵-۱۳۴.
۸. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۲). آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.
۹. فتحی، سروش - مهدی مختارپور. (۱۳۹۰). توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، مجله علمی - پژوهشی توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۴، ۸۹-۱۰۶.
۱۰. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم سالاری مشارکتی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۲-۱۵.
۱۱. قایدی، یحیی. (۱۳۸۵). «تربیت شهروند آینده»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۲. کلانتری، صمد - صمد ربانی - کامران صداقت. (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸، ۲۲-۱.
۱۳. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۵). حقوق جزایی اختصاصی جرایم علیه تمامیت جسمانی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. ماهروی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). «حقوق و تکالیف شهروندی و قانون گریزی شهروندان»، نشیبه عدالت، شماره ۱۵.
۱۵. مداحی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «نظارت همگانی و حقوق شهروندی»، گزارش شهردار منطقه ۱۸ تهران از حقوق شهروندی و شهرداری.
۱۶. نش، کیت. (۱۳۸۰). جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
17. Plummer, Jeneller. (2000). *Municipalities and community participation*, Earthscan publication Ltd, London & Sterling VA.